

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
۲۰۰۸ / ۱۰ / ۳۰ شهر اسن آلمان

ملا پرستان

ای که می گویی ، صدای مردم بیچاره ام
انعکاس ناله و ، فریاد هر آواره ام
محرم راز و انیس و مؤنس و غمخواره ام
داروی درد دل افسرده و ، صدپاره ام

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

خوب میدانی چه میگویم (شکیب) محترم
از غم و اندوه و از جور و جفا و از ستم
از چه و از که و هم کی ، از کجا ای محتشم
لیک آگه نیستی از قهر و بیداد قلم

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

گر صدای مردمی ، بر حنجرم خنجر چرا ؟
پشتیبانی از ملاگک های ، ایستمگر چرا ؟
موتر افشاگری هارا ، کنی پنجر چرا ؟
ظاهراً گویی ، صدای مردم مدبر چرا ؟

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

قامت سرو روان هموطن ، از چه خمید
ببر و گفتار و پلنگ و گرگ ، آهو را درید
وقت زاغ ، وقت عندلیب و بلبل مارا ، خرید
حیف میگویی که چوپانم به سروقتش رسید

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

منع شد شعر پلخمان سیاست ، بهره چه
گو زمن بر آن ملاگک این شراست ، بهره چه
چون نخوانده امر آمد از ریاست ، بهره چه
از تظاهر میدهی بر خود قداست ، بهره چه

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

گاه خوشحال و گهی هستم جگر خون شما
گاه ، بار و مؤنس و دلدار و مفتون شما
گاه مسکینی که ، هم مدیون و ممنون شما
ور تو گویی ! بنده هم لیلی و مجنون شما

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

بعد ازین ، راه جدیدی را نمایم اختیار
خامه جولانگر طبعم همیشه بیقرار
زانکه نتوان کرد بر ملا پرستان اعتبار
این زمانه لایق اشعار ناب و آبدار

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

احتیاطی « نعمتا » از تندی طبع روان حکم تکفیرت مبدا ، صادر از این ناکسان
زانکه از دین باز کرده هریکی بر خود دکان چون موافق نیستی هرگز تو با نابخردان
نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی